

## باسمه تعالی

راهنما:

- (ش): کتاب انگیزش در تعلیم و تربیت، شانک و پینتریچ
- (ر): کتاب انگیزش و هیجان، ریو

### تعریف انگیزش

- **تعریف ۱:** فرایندی است که طی آن فعالیت (جسمانی یا ذهنی) هدف‌محور، برانگیخته و حفظ می‌شود.  
(ش)

- انگیزش یک فرایند (process) است نه فراورده (product).
- انگیزش شامل هدف است؛ هدفی که به این فرایند جهت می‌دهد. افراد نسبت به چیزی که می‌خواهند به دست آورند یا از آن اجتناب کنند، **هشیار** هستند. (مورد تأکید نظریه‌های شناختی)
- انگیزش مستلزم فعالیت‌های بدنی یا ذهنی است.
- در انگیزش، **تداوم** به اندازه تحریک و برانگیختگی مهم است.

- **تعریف ۲:** فرایندهای درونی که به رفتار نیرو (energy)، جهت (direction) و استقامت (persistence) می‌دهد. (ر)

دیدگاه‌های مختلف در باب انگیزش (ش):

- **دیدگاه‌های آغازین:** انگیزش نسبت داده می‌شد به **نیروهای درونی** مانند غرایز، اراده، صفات و خواست ارتباط.
- **نظریه‌های رفتاری:** انگیزش یک سطح افزایش‌یافته یا پیوسته‌ی پاسخ‌دهی به محرک است که تقویت یافته است.
- **نظریه‌های شناختی:** افکار، باورها و هیجان‌ات فردی بر انگیزش تأثیر می‌گذارند.

پرسش: کدامیک از گزاره‌های زیر در باب انگیزش، یادگیری یا عملکرد نادرست است؟

- أ. انگیزش یک فرایند است، نه فراورده
- ب. نیرومندی رفتار وابسته به یادگیری است، نه انگیزش
- ت. تداوم رفتار یک متغیر انگیزشی است، نه یادگیری
- ث. جهت رفتار را انگیزش تعیین می‌کند، نه عملکرد

رابطه انگیزش با یادگیری (learning) و عملکرد (performance) (ش)

- بر اساس پژوهش‌ها، انگیزش می‌تواند بر چِستی، زمان و چگونگی یادگیری تأثیر بگذارد.
- انگیزش با یادگیری و عملکرد رابطه متقابل دارد؛ هم انگیزش بر یادگیری و عملکرد تأثیر می‌گذارد و هم برعکس؛ به‌عنوان مثال:

- دانش‌آموزانی که برای یادگیری یک موضوع برانگیخته می‌شوند، تلاش‌های نظام‌یافته‌ای انجام می‌دهند که در مجموع یادگیری و عملکرد آنها را بهبود می‌دهد.
- با یادگیری و عملکرد خوب، دانش‌آموز احساس خودکارآمدی و شایستگی می‌کند و این انگیزه او را بالا می‌برد.

پرسش: رابطه انگیزش با یادگیری چگونه است؟

- أ. رابطه متقابل دارند
- ب. یادگیری بر چِستی، زمان و چگونگی انگیزش اثر می‌گذارد
- ت. تلاش‌های نظام‌یافته برای انگیزش، یادگیری را بهبود می‌دهد
- ث. همه گزینه‌ها صحیح هستند

سنجش انگیزش:

شاخص‌های انگیزش (indexes of motivation) (ش):

- **انتخاب تکالیف (علائق):** انتخاب یک تکلیف در شرایط انتخاب آزادانه، نشان‌دهنده انگیزش برای اجرای آن تکلیف است.
- نکته:** این شاخص مناسبی در مدارس نیست؛ زیرا معمولاً در مدارس دانش‌آموزان انتخاب‌های محدودی دارند.
- **تلاش:** تلاش زیاد (به‌ویژه بر روی تکالیف دشوار) نشان‌دهنده انگیزش است. (در فضای تحصیلی، بیشتر تلاش ذهنی مد نظر است.)
- نکته:** کارایی این شاخص برای سنجش انگیزش، توسط سطح مهارت محدود می‌شود؛ زیرا با افزایش مهارت، کار به صورت بهتر و در زمان کمتر انجام می‌شود.
- **پشتکار/مداومت (persistence):** کار برای زمان طولانی‌تر (به‌ویژه هنگام مواجهه با موانع) با انگیزش بالا ارتباط دارد.
- نکته:** کارایی این شاخص برای سنجش انگیزش، توسط سطح مهارت محدود می‌شود؛ زیرا با افزایش مهارت، تلاش کمتری مورد نیاز است.
- **پیشرفت/موفقیت (achievement):** انتخاب، تلاش و مداومت، پیشرفت یا موفقیت در تکلیف را بالا می‌برد.
- نکته:** پیشرفت یک شاخص غیر مستقیم برای انگیزش است.

پرسش: کدام دو شاخص انگیزش توسط سطح مهارت، محدود می‌شود؟

- پیشرفت – انتخاب
- انتخاب – پشتکار
- پشتکار – تلاش
- تلاش – انتخاب

پرسش: کدامیک از موارد زیر، یک شاخص غیر مستقیم برای انگیزش به حساب می‌آید؟

- أ. پیشرفت
- ب. پشتکار
- ت. تلاش
- ث. انتخاب

پرسش: کدامیک از موارد زیر شاخص مناسبی برای سنجش انگیزش در مدارس نیست؟

- أ. پشتکار
- ب. پیشرفت
- ت. انتخاب
- ث. تلاش

جلوه‌های انگیزش (روش‌هایی برای آگاهی از انگیزش دیگران و اندازه‌گیری آن - ۵ مورد): (ر)

۱. رفتار: هفت جنبه رفتار، وجود، شدت و کیفیت انگیزش را نشان می‌دهند:

- انتخاب: وقتی دو یا چند راهکار به فرد ارائه می‌شود، ترجیح یکی از آنها به دیگری.
- تلاش: مقدار کوششی که هنگام انجام یک کار به خرج داده می‌شود. درصد کل توانایی به کار رفته.
- استقامت: مدت زمانی که رفتار برای اولین بار شروع می‌شود تا خاتمه یافتن آن.
- نهفتگی: وقتی اولین فرصت برای انجام یک کار به فرد داده شده است، مدت زمانی که طول می‌دهد آن را شروع کند.
- احتمال پاسخ: وقتی چند فرصت به فرد داده می‌شود، تعداد یا درصد مواقعی که او پاسخ هدف‌گرای خاصی را انجام می‌دهد.
- جلوه‌های صورت: حرکات صورت، مانند چروک انداختن به بینی، بالا بردن لب و پایین آوردن ابرو (نفرت).
- حالت‌های بدن: نظیر خم شدن به جلو، تغییر حالت بدن و حرکات عمودی پاها، بازوها و دست‌ها (مثل مشت فشرده)

۲. مشغولیت: میزان درگیری با تکلیف که از چهار جنبه متمایز ولی مرتبط با هم و متقابلاً حمایت‌کننده تشکیل می‌شود:

- عاملیت: مشارکت سازنده در محیط و تغییر آن در جهت بهتر، پرسیدن سؤال، بیان ترجیحات
- شناخت: استفاده از راهبردهای یادگیری پیشرفته، جستجوی درک مفهومی به جای دانش سطحی و خودتنظیمی مانند برنامه‌ریزی
- هیجان: وجود هیجان‌های مثبت مانند علاقه، لذت، شیفتگی و نبود هیجان‌های منفی مانند ناراحتی، خشم، اضطراب و ناکامی
- رفتار: مترادف با موارد گفته شده در قسمت رفتار بالا.

پرسش: مشغولیت به‌عنوان یکی از جلوه‌های انگیزش شامل چه مؤلفه‌هایی است؟

- أ. ارتباط، احساس شایستگی، خودمختاری
- ب. عاملیت، شناخت، هیجان، رفتار
- ت. خودکارآمدی، خودتنظیمی، خودمختاری
- ث. تلاش، استقامت، انتخاب

۳. سایکوفیزیولوژی: فرایندی که حالت‌های روانشناختی (انگیزش، هیجان) تغییراتی را فیزیولوژی فرد ایجاد می‌کنند (مطالعه تعامل بین حالت‌های بدنی و ذهنی)

- فعالیت هورمونی: مواد شیمیایی در بزاق یا خون
- فعالیت قلبی-عروقی: انقباض و انبساط عروق قلب و خون
- فعالیت چشمی: اندازه مردمک، پلک زدن، و حرکات چشم
- فعالیت برقی پوست
- فعالیت عضله اسکلتی

۴. فعال‌سازی‌های مغز: با استفاده از روش‌ها و ابزارهای مختلف مشاهده فعالیت‌های مغز.

## ۵. گزارش شخصی:

- مزایا: اجرای آسان، انجام برای چند نفر به صورت همزمان و هدف گیری اطلاعات بسیار خاص
- معایب: عدم تطابق با واقعیت.
- نتیجه: این گزارش ها می توانند مفید و آگاهی دهنده باشند اما همیشه لازم است توسط فعالیت رفتاری، مشغولیت، سایکوفیزیولوژی و عصبی فرد تأیید شوند.

## روش های سنجش انگیزش (ش)

- مشاهده مستقیم
  - نمره دهی توسط دیگران
  - خودگزارش دهی
- پرسشنامه
  - مصاحبه
  - یادآوری برانگیخته شده: شرکت کنندگان کاری انجام می دهند که ضبط می شود. بعد فیلم خود را مشاهده می کنند و آزمایشگران با توقف هر قسمت از افکار آنان می پرسند.
  - تفکر با صدای بلند: هنگام فعالیت افکار و هیجانات خود را با صدای بلند بیان می کنند.
  - گفتگو: ضبط گفتگوهای واقعی میان دانش آموزان و یا معلم و دانش آموزان و سپس تحلیل آنها.

## نظریه‌های تاریخی انگیزش

دیدگاه‌ها درباره انگیزش و به‌طور کلی روانشناسی، به‌شدت ریشه در فلسفه دارند. دو مفهوم‌سازی برجسته از انگیزش در قالب دو اصطلاح ۱. خواست (will) / اراده و تصمیم‌گیری (volition) (عمل استفاده از اراده) و ۲. غرائز (instincts) بررسی می‌شدند.

### اراده (volition) / خواست (will)

روانشناسان قدیمی به پیروی از فلاسفه مانند افلاطون و ارسطو، ذهن را شامل موارد زیر تلقی می‌کردند:

- دانستن (شناخت)
- احساس کردن (هیجان)
- خواستن (انگیزش)

### تفاوت:

- خواست (will): بازتاب دهنده میل و خواست یک شخص
- اراده و تصمیم‌گیری (volition): عمل به‌کاربردن خواست

➤ **ویلهلم وونت:** ویلهلم وونت از درون‌نگری / درون‌کاوی (introspection) استفاده کرد.

شرکت‌کنندگان باید تجربیات فوری خود را پس از مواجهه با یک شیء یا رویداد، بدون برچسب‌زنی گزارش می‌کردند.

تذکر: اختلافی در میان فلاسفه و روانشناسان:

- خواستن یک فرایند مستقل است؛ وونت بر این باور بود.
- خواستن محصول فرعی سائر فرایندهای ذهنی مانند احساسات و ادراکات است

➤ **ویلیام جیمز:** هشیاری، به مردم و حیوانات کمک می‌کند تا با محیط خود سازگار شوند.

اراده یک حالت ذهنی است که در آن میل به عمل خاصی داریم و باور داریم که می‌توانیم آن را انجام دهیم. اراده، فرایند تبدیل نیت‌ها به عمل است.

گاه یک بازنمایی ذهنی برای برانگیختن فعالیت یا عمل کافی است ولی در سایر مواقع، یک عنصر هشیاری اضافی به شکل فرمان (دستور)، رضایت صریح در حرکت مداخله کرده و بر آن مقدم می‌شود. نقش اراده در اعمال ایجاد یک بازنمایی ذهنی برای عمل است. بیشترین تأثیر اراده زمانی است که نیت های مختلفی برای عمل رقابت می‌کنند. این علت تبدیل نشدن بیشتر افکار ما به عمل است. در اینجا چیزی شبیه دستور نیاز داریم تا عمل اتفاق افتد.

➤ **آش (پیشگام مطالعه آزمایشی اراده):** اراده فرایندی است که با اجرای اعمالی سروکار دارد که برای تحقق اهداف طراحی شده‌اند. فرایندهایی که امکان تبدیل اهداف به اعمال را فراهم می‌کنند، گرایش‌های تعیین‌کننده (determining tendencies) نام دارند. این گرایش‌ها با گرایش‌های تداعی (از قبل آموخته‌شده) برای تولید عمل رقابت می‌کنند.

➤ **دکارت نیز یکی از افرادی بود که سعی داشت انگیزش را در یک نظریه بزرگ، به وسیله اراده توضیح دهد. (ر)**

پرسش: کدام دانشمندان، انگیزش را از طریق «اراده» تبیین می‌کردند؟

- ا. وونت، فروید، مزلو
- ب. جیمز، فروید، مک دوگال
- ت. مزلو، مک دوگال، اش
- ث. وونت، جیمز، اش

### غرائز (instincts)

تعریف: تمایلات ذاتی مانند تقلید، خشم، رنجش و همدردی که خود را در رفتارها نشان می‌دهند.

➤ **جیمز:** غرائز رفتار را کامل توضیح نمی‌دهند ولی بنیادی فراهم می‌کنند که با ایجاد عادت‌ها، تجربه بر آن بنا می‌شود. رفتار غریزی با بازتاب‌ها و یادگیری همپوشی دارد. (ش)



جیمز با تقلید از داروین و معاصران وی تعداد زیادی غرایز جسمانی (مکیدن، تحرک) و روانی (تقلید، بازی و مردم‌آمیزی) برای انسان قائل شد. تنها چیزی که برای تبدیل یک غریزه به تکانه‌ای برای عمل ضرورت داشت، وجود یک محرک مناسب بود.

➤ **مک دوگال:** تمام رفتارها، غریزی هستند (مهم‌ترین تفاوت با دیدگاه جیمز (ر)). غرایز نیروهای انگیزشی غیرمنطقی، تکانشی و خودکار هستند. غریزه صرفاً آمادگی برای عمل به طریقه خاص نیست بلکه شامل عناصر شناختی، عاطفی و عملی است. بنابراین، دانش‌آموزانی که دارای غریزه کنجکاوی هستند، می‌دانند چگونه کنجکاوی خود را ارضا کنند، در هنگام کنجکاوی از نظر عاطفی برانگیخته می‌شوند و سعی می‌کنند به اهداف کنجکاوی خود دست یابند.

اهداف رفتارهای غریزی و نیز خود رفتارهای غریزی می‌توانند تغییر کنند. اشیاء می‌توانند برای راه اندازی غرائز شرطی شوند. مثلاً فعالیت‌های مدرسه را می‌توان با اتصال به فعالیت‌هایی که ذاتاً کنجکاوی برانگیز هستند، کنجکاوی برانگیز قرار داد.

غرائز می‌توانند به اشیاء متصل شوند. مثلاً حس کنجکاوی که در مدرسه تشویق نشده، ممکن است فقط محدود به خانه بشود.

### مشکل نظریات غریزه:

- قراردادن همه رفتارها تحت غریزی، نقش یادگیری را کم رنگ می‌کند. این نظریه‌ها باید نشان دهند که غریزه کجا تمام و یادگیری آغاز می‌شود و این دو چگونه با هم تعامل می‌کنند.
- برجسب غریزی رفتار را توصیف می‌کند ولی توضیح نمی‌دهد به این معنا که علت‌های رفتار را نشان نمی‌دهد. در حقیقت در اینجا نوعی دور وجود دارد.

پرسش: کدام روانشناس همه رفتارها را غریزی می‌داند؟

أ. داروین

ب. اش

ت. مک دوگال

ث. جیمز

## نظریه‌های سائق (drive)

مفهوم سائق را وودورث در سال ۱۹۱۸ معرفی کرد. (ر)

سائق‌ها: نیروهای درونی که **حالت تعادل حیاتی (هموستازی)** یا مطلوب‌ترین حالت‌های سازوکارهای بدنی را حفظ می‌کنند. وقتی موجود زنده به دلیل محرومیت از یک عنصر اساسی (مانند غذا، هوا و آب) نیازی را تجربه می‌کند، سائق فعال شده و موجود زنده را وادار به پاسخ‌دهی می‌کند. وقتی عنصر اساسی دریافت می‌شود، نیاز ارضا می‌شود و سائق کاهش می‌یابد.

- سائق‌ها دارای شدت، جهت و استمرار هستند.
- سائق برای تبیین رفتارهای ساده انسان و حیوان می‌تواند مفید باشد ولی برای تبیین رفتارهای پیچیده که مشخصه انگیزش است، ناکارآمد است.

### فروید

فروید انگیزش را انرژی روانی (psychical energy) می‌دانست. نیروهایی که درون افراد است، مسئول انگیزش هستند. فروید مفهوم **tribe** (کلمه ای آلمانی به معنای نیروی محرک) را به کار برد که شباهت زیادی به انگیزش دارد. هرچند این مفهوم به غریزه ترجمه شده است، سائق (drive) مناسب تر به نظر می‌رسد.

مردم نظام‌های بسته انرژی هستند. هر فرد دارای میزان ثابتی از انرژی است، گرچه امکان دارد شکل آن تغییر کند. انرژی روانی در نهاد (id) متمرکز می‌شود که ساختار شخصیتی مختص به نیازهای اساسی است. هنگام نیاز، انرژی ایجاد می‌شود و نیازها از طریق تغییر شکل انرژی به رفتارهایی که نیازها را کاهش می‌دهند، ارضا می‌شوند. کاهش نیاز، لذت‌بخش است و افزایش نیاز تنش‌زا و نامطبوع است.

فروید نظریه سائق خود را با چهار مؤلفه خلاصه کرد (ر):

- **منبع سائق:** فرایندهای بدنی که انرژی را فعال می‌کنند. کمبودی که در بدن اتفاق افتاده (مثلا قند خون پایین آمده است)
- **نیروی محرک سائق:** شدت کمبود بدن افزایش می‌یابد و در هشیاری به صورت ناراحتی روانی که همان اضطراب است، پدیدار می‌شود (مثلا احساس گرسنگی)
- **موضوع (شیء) سائق:** وسیله‌ای که به وسیله آن نیاز ارضا می‌شود (مثلا غذا)
- **هدف سائق:** ارضای آن

**نکته:** انرژی می‌تواند با مقاومت افراد سرکوب (repressde) شود. این مقاومت زمانی رخ می‌دهد که فعالیت‌های مرتبط با آن انرژی‌ها باعث درد بیشتری نسبت به لذتشان شوند. سرکوب، انرژی را حذف نمی‌کند بلکه انرژی سرکوب شده خود را به شکل‌های تحریف شده نشان می‌دهد. ممکن است سرکوبی ناهشیار باشد و باعث شود که ما از علت رفتار خود آگاهی کامل نداشته باشیم.

### مشکلات نظریه فروید:

- پیچیده و گنگ است.
- نقش شناخت و نیروهای محیطی را کم‌رنگ می‌کند.

**پرسش:** نظریه فروید را می‌توان جزء کدام دسته از دیدگاه‌ها درباره انگیزش قرار داد؟

- ا. اراده
- ب. سائق
- ت. غریزه
- ث. همه موارد

**پرسش:** در نظریه انگیزشی فروید، منظور از منبع سائق چیست؟

- ا. فرایندهای بدنی فعال‌کننده سائق
- ب. ابزارهای کاهش سائق
- ت. منشأ رفع اضطراب
- ث. مکانیزم‌های ایگو

**پرسش:** از نظر فروید، چرا گاهی از علت واقعی رفتار خود آگاهی نداریم؟

- ا. زیرا منشأ همه رفتارها آید است که در ناهشیار قرار دارد
- ب. زیرا انرژی گاه به صورت ناهشیار سرکوب می‌شود و به شکل تحریف‌شده ظاهر می‌شود
- ت. زیرا انسان‌ها نظام‌های بسته‌ای از انرژی هستند که هر تحریکی می‌تواند باعث فوران انرژی آنها شود
- ث. همه موارد

نظریه رفتار نظام دار (Systematic Behavior Theory) هال (Hull)

مفاهیم مهم: سائق، نیرومندی عادت (معادل یادگیری)، بازداری (خستگی ناشی از پاسخ و تقویت پاسخ‌ندادن هنگام خستگی)، توان واکنش مؤثر (احتمال رفتار)

مشکلات نظریه هال:

- نیازها همیشه سائق را با هدف کاهش سائق راه اندازی نمی‌کنند.
- سائق می‌تواند در غیاب نیازهای فیزیولوژی هم حضور داشته باشد.
- این نظریه نمی‌تواند رفتارهای مبتنی بر اهداف بلند مدت را توضیح دهد.

انگیزش تشویقی (Incentive Motivation)

یک متغیر عملکردی است و نه یادگیری و اشاره به انگیزش برای دستیابی به هدف دارد.

اسپنس معتقد بود که انگیزش تشویقی به صورت جمع با سائق جمع می‌شود تا یک متغیر انگیزشی پیچیده را تولید کند. این ایده که پاداش بر انگیزش تأثیر می‌گذارد و نه یادگیری در پژوهش‌های بعدی اثبات شد و بسیاری از نظریه‌های شناختی انگیزش به آن پرداخته‌اند.

پرسش: کدامیک از موارد زیر درباره انگیزش تشویقی صحیح نیست؟

- ا. یک متغیر عملکردی است
- ب. یک متغیر انگیزشی است
- ت. یک متغیر یادگیری است
- ث. یک متغیر شناختی است

نظریه ماورر (Mowrer)

یک نظریه سائق است که بر نقش هیجان‌ها تأکید می‌کند.

هیجان‌های متغیرهای مداخله‌گری هستند که نقش واسطه را میان محرک‌ها و پاسخ‌ها ایفا می‌کنند.

نشانه‌هایی که با شروع هیجان‌ات تداعی شده‌اند، قادر می‌شوند هیجان را فرا بخواند پیش از اینکه محرک تولیدگر هیجان عمل کند. این هیجان انتظاری رفتار ابزاری را برای گرایش یا اجتناب از محرک مورد نظر تولید می‌کند.

چهار هیجان اصلی از منظر ماورر:

- **ترس (fear):** نمایانگر انتظار درد است و برانگیزاننده رفتاری است که برای اجتناب از خطر ادراک شده طراحی شده است. ترس در اثر افزایش سائق توسط موقعیت هایی مانند کمبود غذا یا دریافت شوک، رخ می دهد.
- **آرامش خاطر (relief):** زمانی رخ می دهد که ترس توسط پاسخی که ارگانسیم را از موقعیت ترس خارج می کند، کاهش یابد. این آرامش با محرک های حاضر هنگام کاهش ترس، پیوند می خورد.
- **امید (hope):** برخی از کاهش های سائق، ممکن است با امید همراه شوند.
- **یأس (disappointment):** در صورتی که توسط پیامدها پاسخ از امید کاسته شود، رخ دهد.

مشکل نظریه ماورر:

- فقط رفتارهای شکل گرفته را توضیح می دهد و نه تحریک رفتارهای جدید.
- تأکید بر تعداد کمی از هیجانات، نقش شناخت ها و توان تبیینی بالقوه آنها را برای انگیزش پیشرفت محدود می کند.

پرسش: کدامیک از دانشمندان زیر بر نقش هیجانها در انگیزش تأکید می کند؟

- أ. جیمز
- ب. هال
- ت. ماورر
- ث. مک دوگال

پرسش: شباهت نظریه هال با نظریه ماورر چیست؟

- أ. هر دو نظریه سائق هستند
- ب. هر دو بر نقش هیجانها تأکید می کنند
- ت. هر دو انگیزش تشویقی را در کانون توجه قرار می دهند
- ث. همه موارد

پرسش: چهار هیجان اصلی از منظر ماورر کدام اند؟

- أ. ترس، آرامش خاطر، امید، یأس
- ب. خشم، خوشحالی، تعجب، ترس
- ت. خشم، امید، نفرت، اندوه
- ث. اندوه، امید، خشم، خوشحالی

سائق های اکتسابی (Acquired Drives) میلر

هال سائقها را مکانیسم های ذاتی برای حفظ بقا می دانست. اما میلر معتقد بود که سائقها را می توان آموخت. پاسخ های خودمختار درونی را می توان از طریق روش های آموزشی کنشگر شرطی کرد (هرگنهان). انسان ها و غیر انسان ها می توانند محیط درونی خود را کنترل کنند. ضربان قلب، فشار خون و درجه حرارت پوست را می توان کنترل کرد.

مشکل میلر:

توان تبیینی نظریه او به خاطر کم اهمیت انگاشتن شناختها و فرض اینکه انگیزش همه انسان در نهایت به سائقهای اولیه بر می گردد، محدود است.

پرسش: از طریق کدام فرایند می توان پاسخهای خودمختار درونی را شرطی و کنترل کرد؟

- أ. تن آرامی
- ب. شرطی سازی کنشگر
- ت. درون نگری
- ث. پیوندگرایی

پرسش: کدام دانشمند معتقد بود سائقها را می توان آموخت؟

- أ. میلر
- ب. هال
- ت. فروید
- ث. مارور